

نقش کارویژه حفظ الگو در سقوط رژیم پهلوی

علی اکبری معلم

(دانش آموخته حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی شهرری)

تاریخ دریافت: 80/8/24

تاریخ تایید: 80/9/28

درباره چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران مباحث و مناقشات بسیاری بر اساس نگرش‌ها و چارچوب‌های نظری مختلف انجام گرفته است. در این مقاله، نقش کارویژه حفظ الگو از طریق جامعه‌پذیری سیاسی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران، بر اساس نظریه کارکردگرا - ساختاری تالکوت پارسونز مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، نویسنده، ضمن بیان سه الگوی فرهنگی ((ایران گرایی))، ((مذهب گرایی)) و ((غرب گرایی))، از طریق روش تحلیل محتوا، به تفسیر داده‌ها پرداخته و به این جمع بندی رسیده است که رژیم پهلوی نتوانست از طریق جامعه‌پذیری سیاسی به حفظ الگو بپردازد؛ در نتیجه با ایجاد تعارضات ارزشی بین دو نیروی سیاسی و اجتماعی، انقلاب اسلامی پدید آمد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌پذیری، انقلاب اسلامی، سلسله پهلوی، ایران گرایی، مذهب گرایی و غرب گرایی

مقدمه

از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی این پدیده و چرایی آن، مورد توجه صاحب نظران مسائل اجتماعی و سیاسی بوده است و هر يك بانگرش و چارچوب نظری خاصی به آن پرداخته اند. در این راستا و برای بررسی موضوع از زاویه ای دیگر، در این مقاله به نقش کارویژه حفظ الگوهای فرهنگی از طریق جامعه‌پذیری سیاسی در رژیم محمدرضا پهلوی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه کارکردگرا - ساختاری پارسونز پرداخته و در واقع، این بررسی به منظور دست یابی به چارچوب نظری معتبر و جامع در تحلیل از پدیده انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی تالکوت پارسونز (Talcott parsons) ((حفظ الگو)) یکی از چهار کار ویژه سیستم اجتماعی است که برای ثبات و تداوم نظام سیاسی، لازم است از طریق جامعه‌پذیری سیاسی به طور مداوم و بی وقفه انجام پذیرد تا بدین وسیله الگوها، هنجارها و قالب‌های ارزشی، ذهنی و رفتاری نسل‌ها و در نتیجه، رفتار و ساختار سیاسی جامعه به طور پی‌درپی حفظ و تداوم یابد. اما در صورت عدم موفقیت سیستم اجتماعی در حفظ الگوهای فرهنگی، تعارضات ارزشی،

هنجاری و رفتاری در جامعه به وجود می آید و مجر به بحران مشروعیت در نظام سیاسی می شود که از پیامدهای آن، انقلاب و سرنگونی نظام سیاسی است.

سوال اصلی ای که در این مقاله مطرح است این که کارویژه حفظ الگوهای فرهنگی از طریق جامعه پذیری سیاسی در رژیم محمدرضا پهلوی چه نقشی را در سقوط این رژیم و پیدایش انقلاب اسلامی ایران ایفا کرده است؟

به نظر می رسد، عدم موفقیت نظام سیاسی محمدرضا پهلوی در حفظ الگوهای فرهنگی و فرهنگ سازی، موجب تعارضات ارزشی، هنجاری و بی ثباتی در رفتار سیاسی جامعه گردیده و با ایجاد بحران مشروعیت در نظام سیاسی، رژیم محمدرضا پهلوی سقوط کرده و انقلاب اسلامی پدید آمد.

مفاهیم اساسی

در آغاز لازم است مفاهیم اساسی و چارچوب نظری مقاله به اختصار تبیین شود.

1. الگوهای فرهنگی

((الگوهای فرهنگی)) مجموعه ای از روش های خاص يك جامعه است که بارها انجام می شود و به چشم می خورد؛ به طوری که اعمال هر فرد جامعه تحت تاثیر آنها صورت می گیرد(1)؛ به عبارت دیگر، الگوهای فرهنگی همان قواعد و هنجارها و معتقدات مسلم اجتماعی هستند که به عنوان راهنما یا میزان در تمایل کنش به کار گرفته می شوند.

از نظر پارسونز، خرده نظام حفظ الگوهای فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار است. به اعتقاد وی، نظام اجتماعی و سیاسی نه تنها به وسیله الگوهای فرهنگی محدود می شوند، بلکه از عوامل مهم تداوم نظام و ایجاد تعادل در جامعه به شمار می آیند. از آن جا که نظام فرعی حفظ الگوهای فرهنگی با مخزنی از منابع روانی، قواعد، هنجارها و ارزش های فرهنگی سروکار دارد، در نتیجه موجب مبانی مشروعیت برای قدرت سیاسی می شود.(2) از يك نظر، کار ویژه حفظ الگو، مجموعه فرآیندهایی است که با کمک آنها، اجتماعی شدن افراد محقق می شود؛ یعنی از طریق جامعه پذیری سیاسی است که نظام سیاسی می تواند الگوهای فرهنگی خود را حفظ کرده و با ایجاد تعادل در جامعه بر استمرار حکومت خود تاکید ورزد.

سه الگوی مهم فرهنگی در ایران

ایرانیان در طول تاریخ، با سه نوع فرهنگ ملی، اسلامی و غربی روبه رو شده اند. در این جا هر يك از این سه فرهنگ را به اختصار توضیح می دهیم:

1 - ایران گرایی: فرهنگ و تمدن کهن ایرانی و عناصر آن مانند زبان فارسی، نوروز و فره ایزدی سبب شده تا فرهنگ ملی ایرانیان از استحکام و آهنگ ویژه ای برخوردار باشد. مفهوم ((ایران گرایی)) به معنای اعتقاد به اصول و ارزش های ایران باستان و عناصر تمدن ایرانی است؛ البته ((ایران گرایی)) در نظر رژیم محمدرضا پهلوی، به معنای تنظیم سیاست ها و حرکت نظام سیاسی بر اساس ناسیونالیسم ایرانی برای دست یابی به مجد و عظمت ایران قبل از اسلام بود، ولی ((ایران گرایی)) در نظر مردم، به معنای حفظ اصول و ارزش های ایران باستان توأم با مبانی و اصول

اسلامی است. در واقع، مردم، یران گرایی را در تعارض با ارزش های اسلامی دنبال نمی کنند.

2. مذهب گرایی: مفهوم ((مذهب گرایی)) به معنای اعتقاد و عمل به اصول و ارزش های اسلامی به خصوص با ویژگی های شیعی است. بر اساس این دیدگاه، آداب و رسوم، هنر، معماری، ازدواج، طلاق، تعلیم و تربیت، تفریح و سرگرمی، عزاداری، عروسی، کتاب، مدرسه و... پس از ورود اسلام به ایران، ماهیت اسلامی به خود گرفتند. اصول ظلم ستیزی، خلافت الهی، امر به معروف و نهی از منکر، شور و مشورت، نفی سلطه، عدالت خواهی، امامت و ولایت فقیه و اجتهاد و مرجعیت را می توان از مهم ترین شاخصه های مذهب گرایی نام برد.

3- غرب گرایی: مفهوم ((غرب گرایی)) به معنای اعتقاد به رفتار بر اساس مبانی و ارزش های فرهنگ غربی و حفظ و تنظیم آن است. در واقع، غرب گرایی نوعی از دگرگونی فرهنگی و اجتماعی در فرهنگ جامعه و نظام سیاسی به حساب می آید که در جهت غربی شدن صورت می گرفت. (3)

2. کارویژه (Function)

مفهوم ((کارویژه)) به معنای نتایج و آثار عینی و قابل مشاهده نهاد اجتماعی است (4); به دیگر سخن، پیامدهای هر گونه فعالیت اجتماعی که انطباق و سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن ساختار را میسر می کند; به عبارت دیگر، کارویژه فرآیند پویای درون ساختار است، (5) چون توانسته است با سازمان دادن و راه اندازی فعالیت های لازم، با نظام زنده زیستی یا یک نظام کنشی همبسته شود.

اگر ((کارویژه)) را یک وظیفه تلقی کنیم، در تعریف آن باید گفت: کارویژه عبارت از نتیجه ثمربخش و مفید عمل و رفتاری است که عضوی در جریان زندگی و انجام دادن وظیفه اش در قبال سیستم و به نفع سیستم و به هنگام ایفای نقش های اجتماعی انجام می دهد.

3. جامعه پذیری سیاسی (Political socialization)

پارسونز به صورت گسترده ای وارد بحث جامعه پذیری سیاسی شده سعی کرده تا نشان دهد چگونه مردم الگوهای رفتاری خود را کسب می کنند. به نظر وی، الگوهای رفتاری در طول نسل ها چنان شکل گرفته که اعضای آن جامعه از نسل جدید انتظار دارند تا به شیوه مورد قبول آنها رفتار کنند. (6)

مفهوم ((جامعه پذیری سیاسی)) به معنای فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش های خویش به خصوص به وظایف سیاسی در جامعه آگاه می شوند. در این فرآیند، ارزش ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از جمله مسائل سیاسی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد; اگر چه امکان دارد در جریان این انتقال، تغییرات یا تعدیل هایی صورت پذیرد. (7) در واقع، جامعه پذیری سیاسی مهم ترین پیوند میان نظام اجتماعی و نظام سیاسی است; البته جامعه پذیری سیاسی روندی آرام و بطیء است به طوری که حتی مردم از آن آگاهی نمی یابند، بلکه هنجارهایی را که به آنها تلقین شده می گیرند.

از دیدگاه پارسونز، هر نظام سیاسی که بتواند الگوهای فرهنگی خود را از طریق جامعه پذیری سیاسی حفظ کرده و تداوم بخشد، از مشروعیت بالاتری برخوردار خواهد بود و دچار بحران مشروعیت نخواهد شد. پس فقدان یا عدم موفقیت نظام اجتماعی و سیاسی در حفظ الگو از طریق جامعه پذیری سیاسی، از علت های مهم سقوط نظام سیاسی و پیدایش انقلاب است.

4. انقلاب

((انقلاب)) به معنای بروز تغییر اساسی در اندیشه و اراده (حالات درونی) يك ملت در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، روش ها و فعالیت های حکومتی توأم با خشونت است. (8) منظور از ((انقلاب اسلامی)) در این مقاله، انقلاب اجتماعی یا بزرگ است، چون از يك طرف، باعث تغییر در اساس و نوع حکومت و از سوی دیگر، موجب تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط مشی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ابعاد داخلی و خارجی شده است. (9) در واقع، موفقیت و پیروزی هر انقلابی به معنای پیروزی پندار جدید است و انقلاب اسلامی نیز با تغییر پندار قبلی و ایجاد پندار جدید به پیروزی رسید.

رابطه ساختار و پندار، جامعه پذیری سیاسی و پندار و ثبات و تحول سیاسی

براساس مدل پارسونز، بین ((نظام سیاسی و ارزش های حاکم بر جامعه))، رابطه معناداری وجود دارد، به گونه ای که ساخت و پندار از یکدیگر جدایی ناپذیرند. در صورت وجود هماهنگی بین ساختار و پندار، نتایج مهمی بر آن مترتب می شود؛ از جمله استمرار قدرت سیاسی، استواری قوانین، ایجاد ثبات و حفظ تعادل، حفظ مشروعیت نظام سیاسی، تبدیل زور به حق و اطاعت و فرمانبرداری مردم از نظام سیاسی و قوانین.

همچنین بین ((جامعه پذیری سیاسی و پندار)) رابطه معناداری وجود دارد، یعنی نظام های سیاسی از طریق عوامل اولیه و ثانویه جامعه پذیری سیاسی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به حفظ الگوهای فرهنگی و پندار می پردازند و یا در جهت مصالح حکومت، آن را تغییر داده و در دراز مدت به صورت باور و پندار جامعه در می آورند و به این ترتیب بر ثبات و مشروعیت خود تأکید می ورزند. در واقع، نظام اجتماعی و سیاسی با انجام درست و به موقع جامعه پذیری سیاسی می توانند فرهنگ و هویت سیاسی بسازند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند و تغییرات اجتماعی و سیاسی مورد نیاز را به آرامی ایجاد کنند و موجبات افزایش مشارکت سیاسی را فراهم آورند. خانواده، همسالان و نهادهای مذهبی به ویژه مساجد از عوامل اولیه، و مدارس، رسانه های گروهی، احزاب سیاسی و دولت از عوامل ثانویه جامعه پذیری سیاسی در ایران عصر محمدرضا پهلوی به حساب می آیند.

همین طور بین ((پندار و ثبات و تحول سیاسی)) رابطه وجود دارد، به این معنا که پندار و الگوی فرهنگی بر رفتار سیاسی افراد جامعه تأثیر می گذارد. در حقیقت، در صورت وجود اشتراك بین ارزش ها و سیستم سیاسی، به طور معمول، نظام سیاسی از ثبات و تعادل برخوردار است و در صورت تغییر در پندار، در نظام سیاسی نیز تغییر ایجاد می شود و در نتیجه باعث ثبات یا تحول سیاسی می گردد.

پس در صورتی که نظام اجتماعی و سیاسی نتواند از طریق جامعه پذیری سیاسی، باورها و الگوهای فرهنگی را به نسل جدید منتقل کند و نتواند بین ارزش ها و الگوهای فرهنگی جامعه و نظام سیاسی سازگاری ایجاد کند، میان نظام سیاسی و جامعه، تعارضات ارزشی جدی پدید می‌آید و در صورت وقوع تعارض ارزشی بین نظام سیاسی و جامعه، حاکمان به جای حل مشکل و انعطاف پذیری، به زور متوسل شوند؛ در نتیجه، از دیدگاه پارسونز، شروط لازم برای وقوع انقلاب تحقق می‌یابد و با پیدایی شرط کافی. یعنی عوامل شتاب‌زا، که موجب ظهور ضعف دستگاه سرکوب می‌شوند. وقوع انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود، چون پندار همگون در دولت و ملت موجب ثبات و پندار ناهمگون در دولت و ملت باعث تحول سیاسی می‌گردد.

رویکرد فرهنگ سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی

با بررسی متون موجود به ویژه چهار کتاب محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، انقلاب سفید، به سوی تمدن بزرگ و پاسخ به تاریخ، به دست می‌آید که رویکرد فرهنگ سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی در سه الگوی ایران گرایی، مذهب گرایی و غرب گرایی متمرکز شده است.

1. رویکرد ایران گرایی

محمدرضا پهلوی در کتاب های مأموریت برای وطنم و به سوی تمدن بزرگ، به تاریخ کهن ایران افتخار کرده و ایوان را صادر کننده فرهنگ و هنر به جهان بشری معرفی می‌کند و به برپایی نخستین امپراتوری در 2500 سال پیش به دست کوروش مباحث می‌کند. (10) وی دو اصل ایرانی‌گری و شاه پرستی را اساس رویکرد ایران گرایی تلقی می‌نماید. رژیم محمدرضا پهلوی در گرایش به ایران گرایی به افراط‌گری رسید؛ در همین راستا تقویم رسمی کشور را تغییر داد و آن را بر مبنای روز استقرار حکومت هخامنشی بنیان نهاد. همچنین برگزاری جشن های تاج گذاری و جشن های 2500 ساله شاهنشاهی در همین جهت بود.

2. رویکرد مذهب گرایی

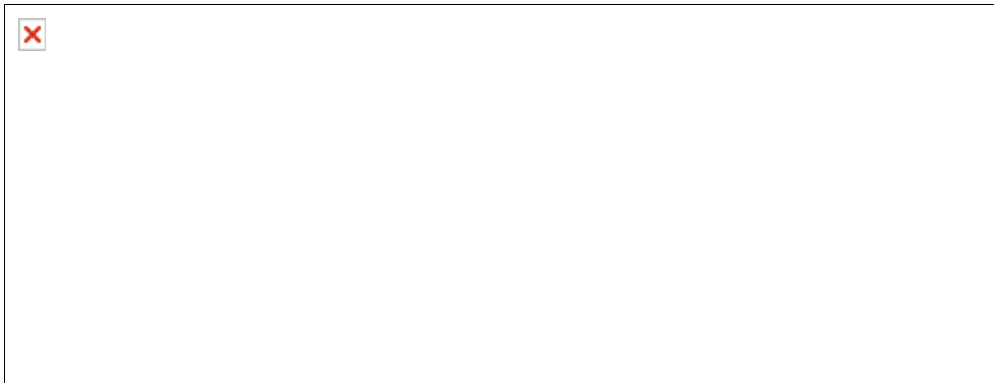
محمدرضا پهلوی معتقد بود در تمام دوره سلطنت خود و حتی پس از سقوط رژیمش، به اصول اسلامی و مذهب شیعه متعهد بوده و در زمان حکومتش سعی در دفاع و حفظ آن داشت. او خود را ((نظر کرده)) خدا و ائمه اطهار: دانسته و برای خویش رسالت الهی قائل بود. (11) با توجه به عملکرد اجتماعی و سیاسی محمدرضا پهلوی، نمی‌توان به گفته های ایشان در مورد مذهب گرایی اعتماد کرد، به خصوص عملکرد او در گسترش فساد و فحشا، نمایش فیلم های مبتذل در سینما و تلویزیون، عدم اجرای احکام اسلامی، جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی، دست نشانده‌گی قدرت های خارجی، اجرای شعار جدایی دین از سیاست، تغییر تقویم تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی، حضور رسمی وابستگان به فرقه های ضاله در مناصب اجتماعی و سیاسی، خشونت علیه علما و اهانت به آنها، نادرستی ادعای وی را آشکار می‌سازد.

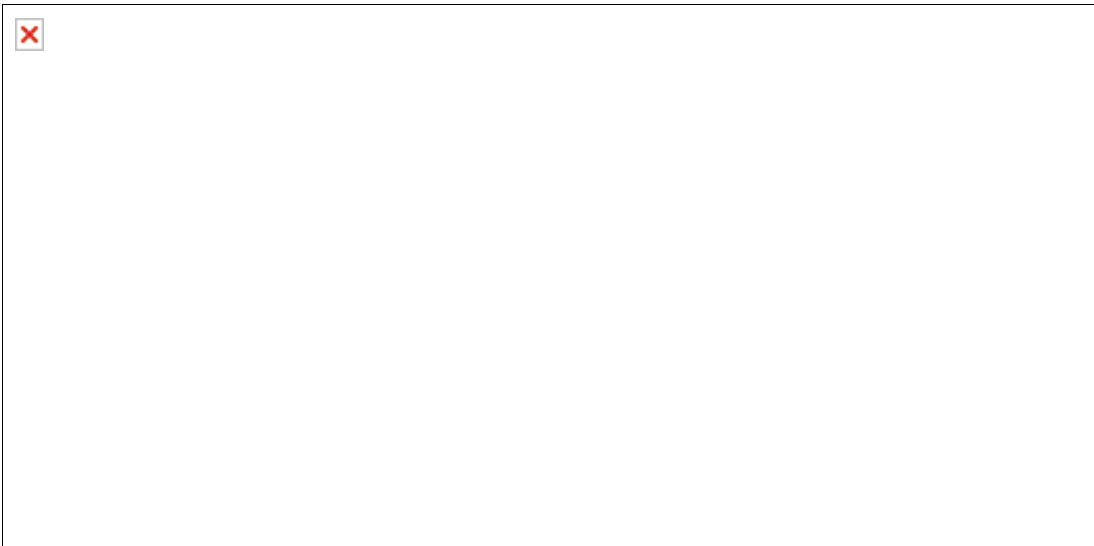
3. رویکرد غرب گرایی

محمدرضا پهلوی همانند پدرش، غرب گرایی را محور برنامه ها و سیاست های خود قرار داد و شتابان در پی ساختن ایران و اداره جامعه بر اساس الگوی غربی بود. (12) در این جا به منظور نشان دادن سمت گیری رژیم به سوی سه الگوی یاد شده، بررسی مقایسه ای با روش تحلیل محتوا و بر اساس یکی از عوامل جامعه پذیری سیاسی (روزنامه) انجام می شود:

در این راستا، پیام ها، خط مشی ها و سمت گیری رژیم را از طریق مطالعه سرمقاله های مندرج در روزنامه اطلاعات به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری سیاسی، از سال 1342 تا 1357 مورد بررسی و اندازه گیری قرار می دهیم. واحد تجزیه و تحلیل در این مطالعه، واژه ها و مفاهیم مربوط به سه الگوی فرهنگی یاد شده است، بنابراین تعداد دفعاتی که این واژه ها و مفاهیم در این سر مقاله ها به کار برده شده است، محاسبه می شود.

پس نخست به توضیح و تبیین جدول مفاهیم و کلید واژه های مربوط به سه الگوی فرهنگی ایران گرایی، مذهب گرایی و غرب گرایی در زمان پهلوی دوم می پردازیم، سپس نتایج و ثبت تعداد و درصد واژه ها و مفاهیم به کار برده شده در سر مقاله های مذکور را بررسی می کنیم. بررسی حاضر با توجه به جدول الگوی نمونه آماری (انتخاب يك ماه از هر فصل و يك روز از هر ماه، بر اساس روش تصادفی) صورت گرفته است.



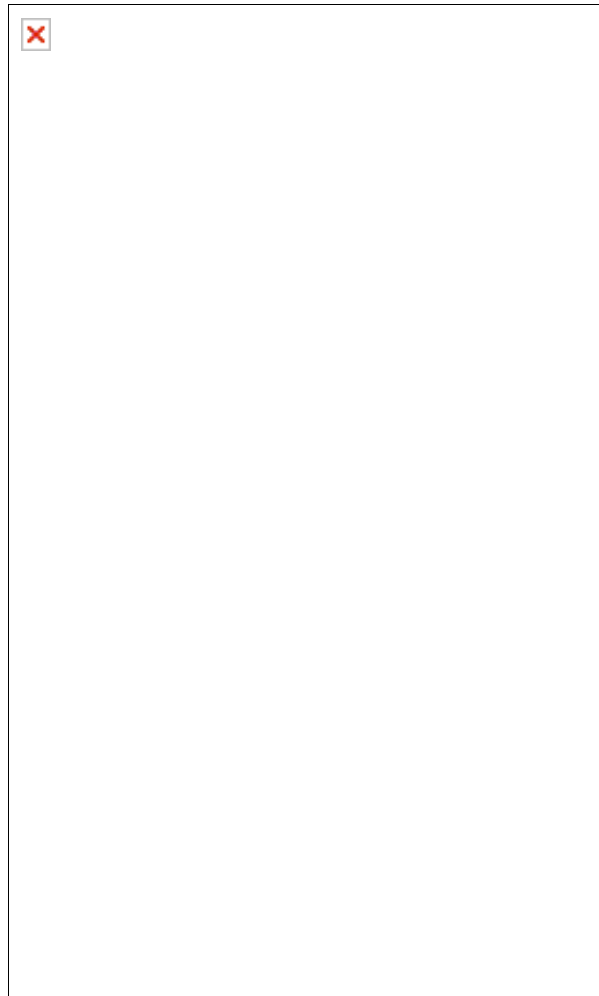


توضیح و تبیین کلید واژه های مربوط به سه الگوی فرهنگی مورد بحث

1. کلید واژه های مربوط به ((مذهب گرایی)): کلید واژه های مذهب گرایی آن دسته از کلمات و مفاهیمی هستند که می توان حرکت مذهب گرایی رژیم محمدرضا پهلوی را با آن سنجید. این دسته از کلید واژه ها با عنایت به ماهیت اسلام، رفتارهای مذهبی مورد توافق جامعه و به ادبیات آن روز و استخدام الفاظ و مفاهیم جهت مشی مذهبی، انتخاب شده اند. برخی از کلید واژه ها آشکارا و برخی دیگر با تعبیر و تفسیر می توانند معرف و مبین حرکت رژیم به سمت الگوی مذهب گرایی باشند.
2. کلید واژه های مربوط به ((ایران گرایی)): کلید واژه های ایران گرایی، کلمات و مفاهیمی هستند که می توان حرکت ایران گرایی رژیم محمدرضا پهلوی را اندازه گیری کرد. این دسته از کلید واژه ها با عنایت به ادبیات آن روز و استخدام مفاهیم آن جهت مشی ایران گرایی و با توجه به عبارات مندرج در سرمقاله های روزنامه اطلاعات، انتخاب شده اند. تعدادی از کلید واژه ها به صورت صریح و برخی دیگر با تعبیر و تفسیر مبین حرکت و سمت گیری رژیم به سوی الگوی ایران گرایی بوده و دسته ای دیگر نیز نشان دهنده حرکت رژیم به سوی ایران باستان و ایران جدای از اسلام هستند.
3. کلید واژه های مربوط به ((غرب گرایی)): این دسته از کلید واژه ها که با توجه به ادبیات زمان مورد بررسی و متناسب با مفاهیم و کلمات به کار برده شده در سرمقاله های روزنامه اطلاعات انتخاب شده اند، مبین حرکت رژیم به سوی فرهنگ غربی به صورت صریح یا با تفسیر و تعبیر بوده و برخی دیگر نیز نشان دهنده حرکت مقلدانه و غرب زدگی رژیم است.

شمارش و یادداشت برداری و طبقه بندی اطلاعات

پس از انتخاب جامعه آماری و تهیه کلید واژه های مربوط به هر يك از الگوهای مزبور، مطالعه سرمقاله های روزنامه اطلاعات بر اساس نمونه گیری از سال 1342 شروع شده و تا سال 1357 به پایان می رسد. تعداد کلید واژه های به کار رفته شده در هر يك از سر مقاله ها به تفکیک سه الگوی مزبور، شمارش و یادداشت برداری شده و تعداد فراوانی هر يك نیز ثبت گردید. به منظور تعیین منظم حرکت و سمت گیری رژیم محمدرضا پهلوی، تعداد کلید واژه های هر يك از سه الگوی مزبور در هر سال به طور جداگانه جمع آوری و طبقه بندی شد. (13) در بررسی حاضر، تعداد عکس های زنان سربرهنه و مبتذل چاپ شده در روزنامه اطلاعات به عنوان موید حرکت و سمت گیری رژیم به سوی سه الگوی مزبور، شمارش و ثبت شده است.



تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها و نتیجه گیری از بررسی مقایسه ای جامعه پذیری سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی

1. با توجه به اطلاعات به دست آمده، رژیم محمدرضا پهلوی در ده سال از شانزده سال مورد بررسی (سال های 1342, 1343, 1347, 1350, 1351, 1353, 1354, 1355, 1356 و 1357) هیچ گونه اقدامی در حفظ الگوی مذهب گرایی از طریق جامعه پذیری سیاسی در روزنامه اطلاعات انجام نداده است، ولی در همین سال ها میزان فعالیت رژیم در حفظ الگوی غرب گرایی چشمگیر است. در واقع بین کاهش یا افزایش فعالیت رژیم در حفظ الگوی مذهب گرایی و غرب گرایی، رابطه معناداری وجود دارد، یعنی هرگاه تلاش این رژیم برای حفظ الگوی مذهبی بیشتر شده، برعکس تلاش رژیم برای حفظ الگوی غرب گرایی کمتر گردیده است و هرگاه فعالیت رژیم در حفظ الگوی مذهبی کمتر شده، تلاش رژیم برای حفظ الگوی غربی بیشتر شده است.

2. درصد فعالیت رژیم در شش سال 1342, 1343, 1351, 1354, 1356 و 1357، برای حفظ الگوی غرب گرایی به مراتب بیشتر از فعالیت رژیم در حفظ الگوی ایران گرایی و به خصوص مذهب گرایی بوده است. به طور معمول رژیم در این سال ها به واسطه انجام اصلاحات و ایجاد تحولات در داخل و به علت نداشتن پایگاه مردمی، نیاز شدیدی به حمایت غرب به ویژه آمریکا احساس می کرد. در واقع هر چه نیاز رژیم به غرب افزایش می یافت، درصد فعالیت رژیم در حفظ الگوی فرهنگ غرب گرایی نیز بیشتر می شد، برای مثال سال های 1356 و 1357 با 87 و 91 درصد در اوج فعالیت های رژیم قرار دارند.

3. درصد فعالیت رژیم در حفظ الگوی ایران گرایی در سال های 1345 با 77 درصد، 1346 با 79 درصد، 1347 با 77 درصد، 1348 با 82 درصد و در سال 1352 با 83 درصد، نسبت به سال های دیگر بیشتر بوده است؛ در این سال ها رژیم به دنبال طرح ضرورت نظام شاهنشاهی و شاهنشاه و زمینه سازی برای جشن تاج گذاری و برگزاری جشن های 2500 ساله نظام شاهنشاهی بوده است.

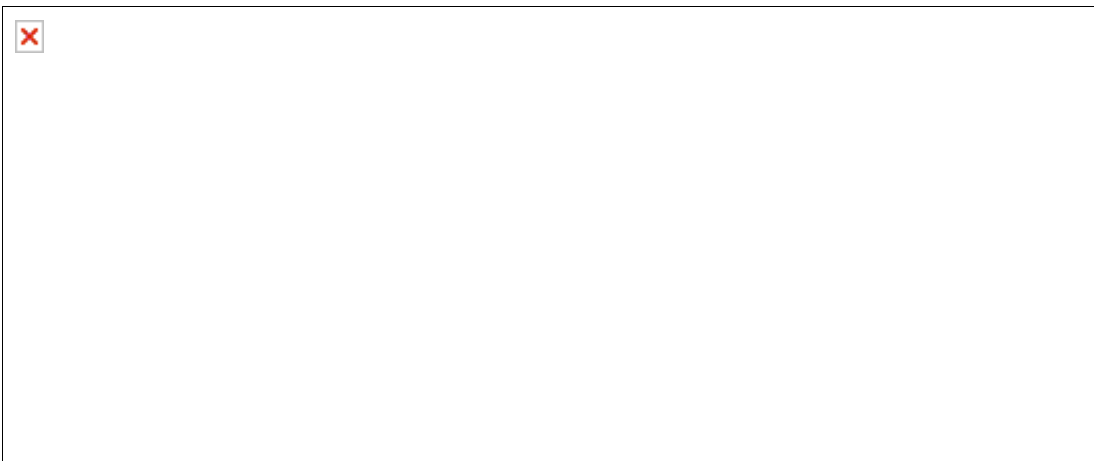
4. نرصد بالای فعالیت رژیم در حفظ الگوی ایران گرایی از سال 1345 تا 1355 از طریق جامعه پذیری سیاسی در روزنامه اطلاعات با تراکم جشن های نظام شاهنشاهی در دهه مذکور همخوانی دارد. محمدرضا پهلوی، بیست و پنجمین سال سلطنت خود را در سال 1345 با تشریفات تمام جشن گرفت و همین گرامی داشت را در هر سال تا 1355 تکرار کرد که با برگزاری جشن دو هزار و پانصد ساله نظام شاهنشاهی در ایران، افراطگری خود را در حرکت به سوی ایران گرایی و ایران باستان به نمایش گذاشت. با توجه به داده ها و انحراف معیارها روشن می شود، آهنگ حرکت رژیم در سال های مورد بررسی (1342 تا 1357) در رویکرد به سه الگوی فرهنگی، سیاسی از توازن و تعادل لازم برخوردار نبوده است، نه در يك سال و نه در مجموع شانزده سال مورد نظر.

رژیم در مجموع این سال ها برای حفظ الگوی ایران گرایی با 55/27 درصد بیشترین تلاش و برای حفظ الگوی مذهب گرایی با 3/54 درصد کمترین تلاش را انجام داده است؛ حفظ الگوی غرب گرایی با 41/44 درصد در رتبه دوم پس از حفظ الگوی ایران گرایی قرار دارد.

با توجه به فعالیت 3/54 درصدی رژیم محمدرضا پهلوی در حفظ الگوی مذهب گرایی و اختصاص 29 درصد از چاپ عکس های زنان سربرهنه و مبتذل در روزنامه اطلاعات می توان نتیجه گرفت که رژیم نه تنها به صورت جدی در پی حفظ الگوی مذهبی نبوده بلکه به نوعی با ارزش ها و باورهای حاکم بر جامعه در حال مبارزه بود. در واقع با عنایت به بافت مذهبی ایران و مطالبات دینی و مذهبی مردم، رژیم در قبال خواسته های مردم حالت انعطاف ناپذیری داشته است. پیش از بیان پیامدهای حرکت و سمتگیری رژیم به سوی سه الگوی مزبور، لازم است مطالبات و خواسته های مردم در دوران انقلاب مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به صورت دقیق تر به اظهار نظر و نتیجه گیری پرداخت.

کیفیت بررسی مطالبات و خواسته های مردم در دوران انقلاب

موفقیت یا عدم موفقیت رژیم پهلوی در حفظ الگوهای فرهنگی از طریق جامعه پذیری سیاسی، زمانی روشن تر و ملموس تر می شود که خواسته ها و مطالبات مردم در دوران انقلاب مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گیرد تا میزان همخوانی یا مخالفت خواسته های مردم با اهداف رژیم و الگوهای مورد تاکید آن، تعیین شود. اهداف و مطالبات مردم را می توان از شعارهای دوران انقلاب به روشنی دریافت کرد، چرا که شعارهای مردم در دوران انقلاب، عصاره و تجلی خواسته های مردم به حساب می آید. مردم به طور معمول با شعار دادن در خیابان ها و راهپیمایی ها، حمل پلاکاردها، نوشتن شعار بر روی دیوارها و معابر عمومی، سعی داشتند تا اهداف و مطالبات خود را به نحو احسن به مخاطبان برسانند. پس در این بررسی، شعارهایی مورد توجه است که در اجتماعات عمومی اظهار و بر دیوارها و پلاکاردها نوشته می شد. در این جا با روش تحلیل محتوا، شعارهای دوران انقلاب و مطالبات مردم مورد بررسی قرار می گیرد و پس از تعیین کلید واژه های مورد نیاز، شمارش و ثبت هر يك بر اساس سه الگوی مذکور انجام می پذیرد.



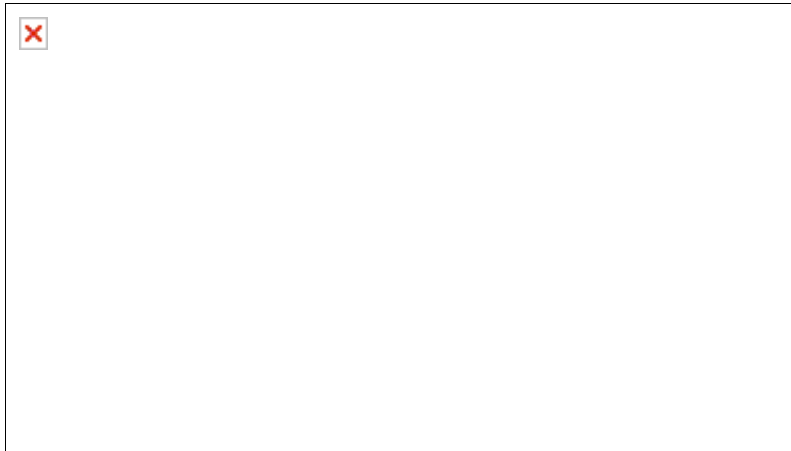
* کلید واژه ها، آن دسته از کلمات و مفاهیمی هستند که مبین خواسته ها و مطالبات مردم در دوران انقلاب اسلامی در سال های 1356-1357 می باشند. در بررسی حاضر از یک سو، نگاه به کلید واژه ها و میزان تکرار آنها و از طرف دیگر، نگاه به پیامی است که در شعارها و دیوار نوشته ها ی مزبور وجود دارد. کلید واژه ها و مفاهیم مندرج در هر یک از سه الگوی فرهنگی مزبور، با توجه به مفاهیم و واژه های به کار برده شده در شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی، تهیه و تنظیم شده است.

توضیح و تبیین کلید واژه های مربوط به سه الگوی یاد شده

- 1- کلید واژه های مربوط به مذهب گرایي: این دسته از کلید واژه ها مبین سمتگیری و مطالبات مردم در مورد مذهب گرایي در دوران انقلاب (1356 و 1357) است. کلید واژه های مزبور با توجه به رفتار مذهبی مورد توافق جامعه و ادبیات آن روز و استخدام مفاهیم جهت مشی مذهبی، انتخاب شده اند.
2. کلید واژه های مربوط به ایران گرایي: کلید واژه های ایران گرایي نشان دهنده مطالبات مردم در دوران انقلاب (1356 و 1357) در مورد الگوی ایران گرایي است. این دسته از کلید واژه ها با توجه به رفتار مورد توافق جامعه و ادبیات آن روز و استخدام مفاهیم مزبور جهت مشی ایران گرایي، انتخاب شده اند.
3. کلید واژه های مربوط به غرب گرایي: این دسته از کلید واژه ها مبین سمت گیری نیروی اجتماعی و مردم به سوی فرهنگ غربی است. برخی از کلید واژه ها با صراحت و برخی نیز با تعبیر و تفسیر می توانند میزان حرکت و مطالبات مردم را در خصوص الگوی غرب گرایي تعیین کنند.

شمارش و یاد داشت برداری و طبقه بندی اطلاعات

پس از بیان کیفیت بررسی و تعیین کلید واژه ها، شعارها و دیوار نوشته های دوران انقلاب (14) که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و کلید واژه های مربوط به هر یک از سه الگوی مزبور، استخراج، شمارش و ثبت گردید. به منظور تصویر روشن تر مطالبات مردم در قالب سه الگوی مذکور، تعداد و درصد کلید واژه ها در جدولی جمع آوری و طبقه بندی شده است. نگارنده در ضمن بررسی واژه ها و مفاهیم موجود در شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی، با تعداد قابل توجهی از واژه ها روبه رو شده است که می توانند در تحلیل و تفسیر داده ها و در آزمون فرضیه مقاله، کمک شایانی کنند؛ بنابراین این دسته از واژه ها و مفاهیم تحت دو عنوان ((نفی فرهنگ استبدادی)) و ((نفی فرهنگ استعمار غرب و شرق)) شمارش و ثبت گردید.



تحلیل داده ها و نتیجه گیری از بررسی مطالبات مردم در سال های 1356 و 1357

1. با توجه به داده های مذکور، مردم با 74/07 درصد در شعارهای انقلاب اسلامی و با 54/68 درصد بر دیوار نوشته های انقلاب اسلامی و با میانگین 61/92 درصد در شعارها و بر دیوار نوشته های انقلاب، خواستار فرهنگ مذهب گرایي بوده اند که درصد قابل توجهی است.
2. مردم با 25/93 درصد در شعارها و با 45/32 درصد بر دیوار نوشته ها و با میانگین 38/08 درصد در شعارها و بر دیوار

نوشته های انقلاب اسلامی در سال های 1356 و 1357، خواهان الگوی ایران گرایی بوده اند.

3. بر اساس شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی، مردم در سال های 1356 و 1357، هیچ گونه گرایش به الگوی غرب گرایی از خود نشان نداده اند. مردم نه تنها خواستار فرهنگ غربی نبوده اند بلکه با 14/06 درصد در شعارها و با 34/44 درصد بر دیوار نوشته ها و با میانگین 27/28 درصد در شعارها و بر دیوار نوشته های انقلاب اسلامی در سال های 1356 و 1357، خواستار نفی فرهنگ غرب گرایی و استعمار غرب بوده اند.

مقایسه آماری بین مطالبات مردم و سمتگیری فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی دوم

1. با توجه به آمار به دست آمده، میزان مطالبات مردم در مذهب گرایی در شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی بامیانگین 61/92 درصد است، در حالی که سمت گیری و گرایش رژیم به سوی مذهب گرایی بامیانگین 3/54 درصد بوده که تفاوت نگرش و مطالبه بین رژیم و مردم 58/39 درصد است.

2. براساس شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی، میزان گرایش مردم به سمت الگوی غربی صفر است، در حالی که رژیم با میانگین 41/44 درصد از سال 1342 تا 1357 به سمت الگوی فرهنگ غربی در حرکت بود.

3. رژیم در سال های 1342 تا 1357 با میانگین 55/03 درصد دارای رویکرد ایران گرایی، از نوع بازگشت به ایران باستان، بوده است، ولی مطالبات مردم در شعارها و بر دیوار نوشته های انقلاب اسلامی با میانگین 38/08 درصد دارای رویکرد ایران گرایی است، اگر چه ((ایران گرایی)) مردم جنبه ملی و ایرانی دارد نه باز گشت به ایران باستانی که حرکتی منفی به حساب می آید.

4. مردم در دوران انقلاب، 58 درصد بیشتر از رژیم محمدرضا پهلوی خواهان مذهب گرایی بوده اند؛ ضمن آن که رژیم پهلوی، 29 درصد با ترویج فساد و بی بندوباری در خلاف جهت مذهب گرایی و ارزش ها و باورهای مبتنی بر دین اسلام حرکت می کرد.

پیامدهای جامعه پذیری سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی

با توجه به آمار و داده های تحقیق از دو بررسی دقیق از سر مقاله روزنامه اطلاعات از سال 1342 تا 1357 و از شعارها و دیوار نوشته های انقلاب اسلامی در سال های 1356 و 1357، از طریق روش تحلیل محتوا، جامعه پذیری سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی پیامدهای ذیل را داشته است:

1. با حرکت نامتوازن و ناموفق رژیم در جامعه پذیری سیاسی و حفظ الگو، تعارضات ارزشی و هنجاری بین رژیم و نیروی اجتماعی ایجاد شد یا تعمیق یافت، یعنی مردم به دنبال باورها و ارزش هایی بودند که رژیم حاکم نه تنها دنبال آنها نبود بلکه در تضعیف آنها نیز می کوشید.

2. با تعمیق تعارضات ارزشی و هنجاری بین رژیم حاکم و مردم، نظام سیاسی دچار بحران مشروعیت شد و با افول اقتدار و اصول مشروعیت رژیم، در مقابل، مشروعیت جدیدی برای نیروی اجتماعی مخالف از طریق عوامل جامعه پذیری سیاسی مثل خانواده، مساجد و نهادهای مذهبی، به وجود آمد که با بروز عوامل شتابزا، رژیم تا دندان مسلح پهلوی در هم فرو ریخت و رژیمی بر مبنای مطالبات و خواست اکثریت مردم جامعه بنا شد.

3. با عدم موفقیت رژیم محمدرضا پهلوی در جامعه پذیری سیاسی از طریق عوامل نخستین و ثانوی و با توجه به تعمیق تعارضات ارزشی بین رژیم و مردم، عدم تعادل در جامعه حکمفرما شد و عدم تعادل بین الگوهای فرهنگی رژیم و باورها و ارزش های موجود در جامعه، سبب بی ثباتی نظام سیاسی گردید، یعنی مردم به دنبال باورها و ارزش هایی بودند که رژیم اعتنایی به آنها نمی کرد. طبیعی است در چنین وضعیتی بین نیروی سیاسی و اجتماعی، رابطه منطقی و متعادلی برقرار نمی باشد و نیروی اجتماعی در سر فرصت با ظهور ضعف دستگاه سرکوب و با ایجاد انسجام در بین خود از طریق عوامل جامعه پذیری سیاسی، زمینه را برای پیدایش انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم پهلوی آماده کردند.

با آزمون فرضیه به کمک دو بررسی آماری از طریق روش تحلیل محتوا در تعیین سمتگیری رژیم محمدرضا پهلوی و مطالبات مردم در مورد سه الگوی فرهنگ سیاسی مذهب گرایی، بران گرایی و غرب گرایی و انجام مقایسه و تحلیل و تفسیر لازم، فرضیه

تحقیق ثابت شد. در واقع یکی از عوامل مهم سقوط رژیم و پیدایش انقلاب اسلامی، عامل فرهنگی و مذهب گرایی مردم بوده است که سیاست های رژیم پهلوی دوم با آن همخوانی نداشت.

در پایان توجه به این پیشنهاد سودمند خواهد بود که محققان حوزه و دانشگاه لازم است عوامل جامعه پذیری سیاسی و نقش آنها را در انتقال ارزش ها و الگوهای فرهنگی انقلاب اسلامی به نسل جدید، بررسی کنند تا بر اساس یافته های تحقیق، نقاط قوت تقویت و نقاط ضعف مرتفع شود.

در ضمن شایسته است جمهوری اسلامی ایران علاوه بر فعالیت فرهنگی از طریق آموزش و پرورش، وزارت علوم و غیره، به نهادهای مذهبی به ویژه مساجد، توجه خاصی کرده و کوشش کند تا فعالیت ها و برنامه های فرهنگی نهادهای مذهبی کشور مکمل برنامه ها و فعالیت های مراکز دیگر فرهنگی کشور و دولت باشد، چرا که وجود انسجام و هماهنگی در جامعه پذیری سیاسی بین عوامل آن به خصوص بین نهادهای مذهبی و عوامل رسمی و دولتی يك ضرورت حتمی است.

پی نوشت ها

1. منصور قنادان و همکاران، جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی). (تهران: آوای نور، 1375) ص 85.
2. گی روشه، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر (تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول، 1367) ص 241.
3. علی محمد نقوی، جامعه شناسی غربگرایی (تهران: امیرکبیر، 1361) ج 1، ص 15.
4. منصور وثوقی و همکاران، مبانی جامعه شناسی (تهران: موسسه انتشارات بهینه، چاپ اول، 1378) ص 193.
5. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد (تهران: نشرنی، 1378) ص 501.
6. علی اکبر کمالی، بررسی مفهوم جامعه پذیری سیاسی (تهران: معاونت پرورشی سازمان تبلیغات اسلامی، 1374) ص 32.
7. عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری (تهران: نشر قومس، چاپ دوم، 1373) ص 74.
8. چالمرز جانسون، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی (تهران: امیرکبیر، 1363) ص 162.
9. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن (قم: انتشارات معارف، چاپ اول، 1379) ص 13.
10. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ ششم، 1350) ص 3؛ همو، به سوی تمدن بزرگ (تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، 1356) ص 253.
11. همو، مأموریت برای وطنم، ص 89.
12. همان، ص 97؛ محمدرضا پهلوی، به سوی تمدن بزرگ، ص 274.
13. جهت اطلاع بیشتر در خصوص جدول شمارش و ثبت تعداد کلید واژه ها و مفاهیم به کار برده شده در سرمقاله های روزنامه اطلاعات از 1342 تا 1357، نمودار مقایسه ای فراوانی کلید واژه های به کار برده شده در سرمقاله های روزنامه اطلاعات به تفکیک سه الگوی فرهنگی مزبور در ماه های مورد بررسی و نمودار مقایسه ای درصد کلید واژه های سرمقاله های روزنامه اطلاعات به تفکیک هر سال، ر.ک: علی اکبری معلم، نقش کار ویژه حفظ الگو در رژیم محمدرضا پهلوی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی (قم: موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع)، 1380) ص 181.
14. در مورد شعارها و دیوار نوشته های دوران انقلاب ر.ک: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1379).